

تأثیر اصلاح طبقه بندی اقلام بودجه کشور بر بودجه بندی دانشگاههای وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

اسدا... جلال آبادی*

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

سید محمدرضا سیدنورانی**

دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

مرضیه صانعی***

کارشناس ارشد مدیریت

چکیده

مبنای تنظیم بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور، دستورالعمل تدوین آمارهای مالی دولت (GFS) است که توسط صندوق بین المللی پول تنظیم شده است. پس از این اصلاح و به منظور هماهنگی برای تحقق اهداف آن، تمام دستگاههای دولتی از جمله دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی موظفاند چارچوبهای جدید را رعایت کنند. با توجه به تفاوت ماهیت فعالیت مؤسسات آموزش عالی با سایر دستگاههای دولتی، در این تحقیق تأثیر اصلاح طبقه بندی اقلام بودجه کشور بر چگونگی بودجه بندی دانشگاههای وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با استفاده از روش پرسشنامه افتراق معنایی و آزمونهای مک نمار و من ویتنی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج به دست آمده نشان می دهد که اصلاح طبقه بندی اقلام بودجه بر روشهای

*پست الکترونیکی : jalal_msrt@yahoo.com

Nourani@atu.ac.ir : **

Nourani@atu.ac.ir : ***

نظارتی بودجه دانشگاهها، شفاف سازی درآمدها و هزینه ها و روشهای برآورد درآمدها و هزینه‌های آنها اثر مثبت داشته است.

کلید واژگان: بودجه بندی، آمارهای مالی دولت، مقیاس افتراق معنایی، درآمد، هزینه و بودجه تفصیلی.

مقدمه

بودجه‌ریزی یکی از مهم‌ترین نظامهای مالی هر جامعه است که بدون اصلاح آن امیدی به اصلاح بلند مدت سایر نظامهای اجتماعی نیست. این نظام همانند شبکه شریانهای خون‌رسان، مجموعه ترتیباتی (نهادهای، آیین‌نامه‌ها، روشها و قواعد) است که درآمدهای دولت از طریق آن توزیع می‌شود (رنانی، ۱۳۸۰).

هر سازمان در هر سطحی دارای اهداف مشخص و از قبل تعریف شده‌ای است که دستیابی به آن اهداف مستلزم برنامه ریزی صحیح و اجرای آن نیازمند توزیع بهینه و مناسب منابع و کنترل آنهاست. بودجه و نظام بودجه‌ریزی به عنوان یکی از ابزارهایی که برای اجرای برنامه در اختیار مدیران قرار دارد، همانند موتور محرک، امکان به فعلیت رساندن برنامه‌های مدون و درنهایت، دستیابی به اهداف را فراهم می‌آورد (محب علی، ۱۳۷۹).

نظام بودجه‌بندی به عنوان ابزاری مهم و حساس برای فعالیتهای دولت در جوامع مختلف، مراحل و تحولات زیادی را پشت سر گذاشته و امروزه به صورت یک نظام پیچیده فنی و مالی درآمده است. این نظام در آغاز پیدایش به دلیل محدودیت حوزه فعالیت دولت عمدتاً ابزاری سیاسی بوده و از دهه سوم قرن حاضر و به دنبال توسعه فعالیتهای دولت، به ویژه در حوزه مسائل اقتصادی، به عنوان ابزار اقتصادی و مالی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. با گسترش

فعالیت‌های دولت در همه جنبه‌های زندگی، بزرگ‌تر و پیچیده‌تر شدن سازمان‌های دولتی، پیشرفت روش‌های مدیریت و برنامه‌ریزی و ظهور تکنولوژی اطلاعات، امروزه نظام بودجه‌بندی سیستم پیچیده‌ای از طرح‌ها و برنامه‌هاست و بودجه علاوه بر نقش‌های سیاسی و اجتماعی، نقش حساس و مهم برنامه‌ریزی را نیز عهده‌دار شده است (گل محمدی، ۱۳۷۹).

نظام بودجه‌نویسی ایران نیز در دوران‌های مختلف بر اساس اهداف و انتظاراتی که مطرح بوده، سیر تحول را سپری کرده است. مبنای تنظیم بودجه کل کشور از سال ۱۳۸۱، ویرایش ژوئیه سال ۲۰۰۱، دستورالعمل آمارهای مالی دولت^۱ بوده است. این دستورالعمل از سوی صندوق بین‌المللی پول و سازمان ملل متحد به‌عنوان چارچوبی یکسان برای همه کشورها تدوین شده است تا قابلیت قیاس بین کشورها را فراهم کند و اشکالات موجود در طبقه‌بندی‌های بودجه را مرتفع سازد.

دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی که برای تأمین هزینه‌های خود از اعتبارات درآمد عمومی دولت و براساس قانون هیئت امنا با عنوان کمک استفاده می‌کنند نیز موظف‌اند بخشی از چارچوب‌های نظام جدید را - به منظور هماهنگی با سایر دستگاه‌های دولتی - برای تحقق اهداف اصلاح طبقه بندی اقلام بودجه رعایت کنند. از آنجا که ماهیت فعالیت مؤسسات آموزش عالی با سایر دستگاه‌های دولتی متفاوت است و این مؤسسات از قوانین خاص خود پیروی می‌کنند و همچنین، با توجه به اینکه استفاده از روش بودجه‌ریزی متناسب با فعالیت هر سازمان از عوامل اصلی به‌کارگیری بهینه منابع مالی است، بررسی تأثیر اصلاح طبقه‌بندی

اقلام بودجه کشور بر بودجه‌بندی دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ضروری به نظر می‌رسد.

هدف اصلی این مقاله پاسخ به این سؤال است که آیا اصلاح طبقه‌بندی ارقام بودجه کشور بر بودجه‌بندی دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مؤثر بوده است؛ به عبارتی، آیا اصلاح طبقه‌بندی ارقام بودجه کشور بر روشهای نظارتی بودجه دانشگاهها، شفاف سازی درآمدها و هزینه‌ها و روشهای برآورد درآمدها و هزینه های آنها مؤثر بوده است؟

به این منظور، با استفاده از روش توصیفی و همبستگی دو متغیره [توصیفی از این نظر که یافته‌های تحقیق بدون هیچ تغییری توصیف می‌شوند و همبستگی از این نظر که میزان هماهنگی متغیرها بررسی و تحلیل می‌شود] به تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط که از طریق پرسشنامه و مصاحبه جمع‌آوری شده‌اند، پرداخته شده است. برای اخذ دیدگاهها و نگرش پاسخ‌دهندگان از مقیاس افتراق معنایی در قالب پرسشنامه مقایسه‌ای استفاده شده است. در نهایت نیز با استفاده از آزمونهای مک نمار^۲ و من ویتنی^۳ که از تکنیکهای آماری ناپارامتری و از روشهای مقایسه توزیع دو جامعه آماری هستند، در باره سؤالهای یاد شده بحث و نتیجه‌گیری لازم ارائه شده است.

بودجه‌ریزی در ایران

. Mc Nemare Test

. Mann-Whitne U Test

تاریخ بودجه ریزی در ایران به حدود ۹۰ سال قبل بر می گردد. اولین بودجه ریزی ایران در سال ۱۲۸۹ هجری شمسی و براساس قانون اساسی سال ۱۲۸۵ به طور سنتی تهیه و اجرا شد. سپس تا سال ۱۳۳۹ هیچ گونه تغییر مهم و اساسی در ساختار بودجه سنتی و متداول به وجود نیامد. در این سال، دفتر بودجه نخست وزیری سابق، مطالعاتی را در زمینه بودجه ریزی برنامه ای شروع کرد.

با تصویب سومین قانون محاسبات عمومی کشور در سال ۱۳۴۹ و اولین قانون برنامه و بودجه مصوب اسفند ماه ۱۳۵۱، تهیه و تنظیم برنامه و بودجه به عهده سازمان تازه تأسیس برنامه و بودجه محول و کلیه پرداختها از محل اعتبارات جاری، عمرانی و اختصاصی به وزارت امور اقتصادی و دارایی منتقل شد.

با شروع برنامه پنجساله از ابتدای سال ۱۳۵۱، شیوه و راهکار تهیه بودجه کل کشور به صورت برنامه ای انجام شد، اما به دلیل عدم شفافیت های لازم و نارسایی در اجرا و نظارت همواره در مصارف بین برنامه ها تداخل وجود داشت و هیچ وقت بودجه به صورت برنامه ای مؤثر تهیه، تنظیم و اجرا نشد.

احکام و تبصره های بودجه که از سال ۱۳۶۴ به صورت یکساله به تصویب می رسید، هر سال افزایش می یافت و نحوه استفاده از آنها توسط دستگاه اجرایی، ذیحساب و دستگاه های نظارتی مشکل تر می شد. به دلایل زیاد و به منظور استفاده مطلوب از منابع و صرفه جویی در هزینه ها و افزایش سرمایه گذاری ها و دستیابی به بودجه ریزی عملیاتی و بر مبنای صفر، اثربخشی و کارایی، ضرورت تغییر اساسی در ساختار بودجه ریزی از تمام جهات اجتناب ناپذیر شد.

در زمینه تحقق چنین هدفی در تبصره ۴۸ قانون بودجه سال ۱۳۸۰ چنین مقرر شد: «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است طرح اصلاح ساختار و نظام بودجه‌ریزی کشور را تهیه و برای طی مراحل قانونی تقدیم هیأت وزیران نماید، به نحوی که کلیه تبصره‌های بودجه در قالب موضوع مشخص دسته‌بندی شود و موارد تبصره‌ای محدود و از درج تبصره‌هایی که ماهیت دائمی دارند، خودداری گردد.»

در مرداد ماه سال ۱۳۸۰، طرح اصلاح طبقه بندی اقلام بودجه (ویژگی‌ها و دستورالعمل‌ها) توسط معاونت امور اقتصادی و هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و برای اظهار نظر کارشناسان و دستگاههای ذیربط و نظارتی به آنها ارسال و پس از جمع‌بندی نتایج، لایحه بودجه سال ۱۳۸۱ براساس آن تهیه شد (محسنی، ۱۳۸۱).

مبنای تنظیم بودجه کل کشور از سال ۱۳۸۱، ویرایش ژوئیه سال ۲۰۰۱ دستورالعمل تدوین آمارهای مالی دولت (GFS) بوده است که توسط صندوق بین‌المللی پول تدوین شده است. در حال حاضر، بیشتر کشورهای جهان بودجه خود را براساس این دستورالعمل تهیه می‌کنند. شایان ذکر است که صندوق بین‌المللی پول نخستین بار این دستورالعمل را در سال ۱۹۸۶ انتشار داده و ویرایش جدید با در نظر گرفتن وضعیت جهان نسبت به گزارش اولیه تعدیل شده است (خلعتبری، ۱۳۸۰).

هدف اصلی نظام GFS تهیه چارچوب جامع مفهومی و حسابداری مناسب برای تحلیل و ارزیابی عملکرد بخشهای کلی دولت با بخشهای وسیع‌تر عمومی در هر کشور است؛ این مفاهیم و تعاریف به پایه، اصول و مبانی اقتصادی بستگی

دارد که صرف نظر از جریان‌هایی که این اصول در آنها کاربرد دارد، باید از نظر جهانی معتبر باشد. با توجه به اینکه کشورها از نظر ساختار دولتی و اقتصادی با یکدیگر متفاوت هستند، بنابراین بهتر است در هر کشوری نظام GFS به صورتی مورد استفاده قرار گیرد که قابلیت انعطاف داشته باشد. هدف دیگر نظام GFS روزآمد کردن معیارهای بین‌المللی در زمینه جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز برای تحلیل‌های مالی است که توسط نظام GFS در سال ۱۹۸۶ پایه‌گذاری شد. هدف نهایی این روش، هماهنگ کردن نظام GFS با نظام‌های آماری کلان اقتصاد بین‌الملل برای پایداری بیشتر و به منظور حمایت و پشتیبانی از تحلیل‌های مالی است (کردبچه، ۱۳۸۰).

در مقایسه‌ای اجمالی می‌توان گفت که بودجه‌ریزی سنتی ایران وضعیت مالی دولت را به صورت مجموعه‌ای از جریان‌ها می‌بیند و تحولات موجودی‌ها را در نظر نمی‌گیرد؛ در عین حال، بودجه پیشنهادی صندوق بین‌المللی پول جریان‌های مالی را در کنار تغییر موجودی‌ها قرار می‌دهد. بنابراین، هر اقدامی که طی یک دوره صورت می‌پذیرد، در نهایت به تغییر ارزش ویژه دارایی‌های دولت می‌انجامد. با این اوصاف، بودجه شامل یک تراز ابتدای دوره، مجموعه‌ای از رفتارهای مختلف در طول دوره و در نهایت، یک تراز پایان دوره است. حساب مبادلات دولت نیز شامل دو مانده حساب (برای ابتدا و انتهای سال) و دو حساب نشان دهنده جریان‌های مختلف در طول سال است. از این دو حساب، یکی حساب عملیات بودجه‌ای دولت در طول سال است که به بودجه سنتی کشور شباهت دارد و دیگری حساب جریان‌های مالی مختلفی است که دولت در طول سال به آنها می‌پردازد (خلعتبری، ۱۳۸۰).

بودجه‌ریزی عملیاتی در ایران

سال ۱۳۸۵، سال شروع تنظیم بودجه عملیاتی است. پس از گذشت ۳۰ سال از تصویب قانون برنامه و بودجه، برای اولین بار، دولت برنامه اجرایی خود (ارتباط بین اعتبارات بودجه‌ای بخشها با اهداف کمی و عملکرد آنها) را به همراه لایحه بودجه سال ۱۳۸۵ به مجلس شورای اسلامی تقدیم خواهد کرد.

به باور طراحان نظام جدید، «بودجه‌ریزی عملیاتی عوامل «صرفه‌جویی» و «اثربخشی» را به ابعاد سنتی بودجه‌ریزی اضافه خواهد کرد. نظام بودجه‌ریزی عملیاتی بین «کارایی» و «اثربخشی» تمایز قایل می‌شود. در «کارایی» استفاده مفید از منابع مورد نظر است، در حالی که «اثربخشی» با عملکرد و میزان دستیابی به اهداف تعیین شده مرتبط است. در بودجه‌ریزی عملیاتی طبقه‌بندی عملیات به‌نحوی است که هدفها شفاف‌تر بیان می‌شوند، ارزیابی بودجه سهل‌تر است و در روش هزینه‌بندی آن ارتباط بین داده و ستاده مورد توجه قرار می‌گیرد. مهم‌ترین هدف این روش، اصلاح مدیریت بخش عمومی و افزایش اثربخشی مخارج این بخش است. با اجرای این نوع بودجه‌نویسی، تضمین و تحکیم پاسخگویی از طریق مبادله موافقتنامه بین مدیران و مسئولان دستگاههای اجرایی و بین مسئولان دستگاههای اجرایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور [به نمایندگی از طرف دولت] صورت خواهد گرفت.»

در این روش، ابتدا باید محصول هزینه‌یابی شود. محصول کالا یا خدمت نهایی است که منعکس‌کننده خواست دولت، به عنوان خریدار، از دستگاههای اجرایی برای ارائه آن به متقاضیان است.

هزینه‌یابی محصول فرایندی است که به وسیله آن هزینه‌ها به محصولات تعلق می‌گیرد. در این فرایند هزینه‌های کل هر دستگاه اجرایی برای تولید محصولات آن به نحوی اختصاص می‌یابد که پاسخگوی هزینه واقعی ارائه یا تولید هر محصول باشد.

در این نظام، همانند گذشته، سقف بودجه هر یک از دستگاههای اجرایی با توجه به هزینه هر واحد محصول یا قیمت تمام شده هر واحد محصول، توسط دولت تعیین می‌شود و دستگاههای اجرایی موظف‌اند ضمن هزینه‌یابی هر یک از فعالیتها، آنها را بر حسب اولویت طبقه‌بندی کنند، به نحوی که در هر سطحی از بودجه که به آنها اختصاص داده می‌شود، فعالیتهای مشخصی قابل اجرا باشد.

بودجه‌بندی در دانشگاههای ایران

فرایند بودجه‌بندی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ایران در دوران فعالیت یکصد ساله این مؤسسات، تحولات بسیاری را پشت سر گذاشته است. در گذشته، بودجه دانشگاه با هماهنگی با سازمان برنامه و بودجه وقت و توافق آنها تهیه و تنظیم می‌شد و فرایند آن به شرح زیر بود:

پس از ارسال بخشنامه بودجه از سوی سازمان برنامه و بودجه به تمام دستگاههای اجرایی از جمله دانشگاهها، بودجه پیشنهادی در قالب فرمهای بخشنامه [در قالب ۱۱ برنامه، ۴ فصل، ۲۰ ماده و ریز مواد] تهیه و تنظیم و به همراه نامه‌ای به سازمان برنامه و بودجه ارسال می‌شد. بودجه پیشنهادی در جلساتی با حضور کارشناسان بودجه دفتر آموزش عالی سازمان برنامه و بودجه و مسئولان دانشگاه بررسی می‌شد. در این جلسات ضمن بحث و چانه‌زنی، در

زمینه ارقام مربوط به فعالیتها و برنامه‌ها توافق حاصل می‌شد. در این رسیدگی‌ها معمولاً بودجه سال قبل به عنوان پایه تعیین و موارد زیر به آن اضافه می‌شد:

نگهداشت سطح: برای حفظ قدرت خرید ارقام بودجه سال پیشنهادی، رقم سال قبل را با توجه به نرخ تورم افزایش می‌دادند.

تعدیل: نظر به اینکه استخداامهای هر سال ۶ ماهه محاسبه و در بودجه منظور می‌شد، معادل ۶ ماه دیگر به بودجه سال قبل به عنوان تعدیل هزینه‌های پرسنلی اضافه می‌شد.

توسعه: در صورتی که دانشگاه هر گونه توسعه‌ای، چه از نظر رشته‌های تحصیلی (پذیرش دانشجو در رشته‌های جدید)، افزایش پذیرش دانشجو در رشته‌های موجود، ایجاد مقاطع بالاتر و چه از نظر توسعه ساختمان به صورت ملکی، استیجاری یا ایجاد فعالیت‌های جدید و افزایش واحدهای تابعه دانشگاه داشت، هزینه‌های مرتبط به کل اعتبارات سال قبل اضافه می‌شد.

بودجه پیشنهادی مورد توافق بدون هیچ گونه تغییری از سوی سازمان برنامه و بودجه، پس از تصویب در مجلس شورای ملی و نظر ارشادی مجلس سنا، در قالب برنامه‌ها و فصول و بدون مواد و فعالیت به دانشگاه ابلاغ می‌شد. پس از این مرحله، مجلد بودجه تفصیلی دانشگاه که ریز فعالیتها و هزینه‌ها را شامل می‌شد، توسط دفتر بودجه دانشگاه تهیه و تنظیم و به هیئت امنای دانشگاه ارائه می‌شد. هیئت امنای بودجه تفصیلی را مورد رسیدگی و بررسی قرار می‌داد و پس از اعمال اصلاحات و تعدیلات مورد نظر، جمع کل بودجه و برنامه‌ها به تصویب رئیس هیئت امنای، وزیر فرهنگ و آموزش عالی و رئیس سازمان برنامه و بودجه می‌رسید.

در صورت نیاز به انجام دادن اصلاحات در مجلد بودجه تفصیلی در طول سال، چنانچه اصلاح در سقف برنامه‌ها و فصول هزینه مورد نیاز بود، اصلاحات در داخل دانشگاه انجام می‌شد. این اصلاحیه به تصویب معاون مالی - اداری می‌رسید و نسخه‌ای از آن به سازمان برنامه و بودجه ارسال می‌شد. چنانچه تغییرات در سقف برنامه‌ها و فصول هزینه انجام می‌شد، این تغییرات باید به تأیید سازمان برنامه و بودجه می‌رسید. بنابراین، طی سالهای ۵۷-۱۳۵۰ اختیار و مسئولیت تصویب بودجه تفصیلی دانشگاه با هیئت امنای هر دانشگاه بود و نظارت بر اجرای بودجه نیز توسط ذیحساب و دفتر بودجه و تشکیلات دانشگاه صورت می‌گرفت.

پس از به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی، به موجب ماده واحده مصوب شورای انقلاب، هیئت امنای کلیه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، اعم از دولتی و غیر دولتی، در تاریخ پنجم اسفند ماه ۱۳۵۷ منحل شد، اما به منظور جلوگیری از توقف امور، رفع مشکلات و تسریع در گردش کارها، مقرر شد تا زمان تصویب قانون استقلال دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، هیئتی مرکب از وزیر فرهنگ و آموزش عالی، وزیر مشاور، رئیس سازمان برنامه و بودجه و وزیر طرحهای انقلاب تشکیل شود و تصمیم‌گیری در باره کلیه امور دانشگاهها را بر عهده گیرد (شریعت، ۱۳۷۷).

هیئت مزبور که بعدها هیئت سه نفری جانشین هیئتهای امنای شد، از اسفند ماه ۱۳۵۷ تا پایان ۱۳۶۹، کوشید تا در باره مسائل و مشکلات مالی، اداری، استخدامی و سازمانی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور، در چارچوب قوانین و مقررات مورد عمل، رسیدگی و تصمیم‌گیری کند. این هیئت فعالیتهای

خود را در چند کمیته منتخب کارشناسی با عنوان کمیته اداری، کمیته مالی و کمیته بررسی و تجدید نظر و تدوین آیین نامه استخدامی سازماندهی کرده بود. از سال ۱۳۶۲ به بعد؛ یعنی پس از بازگشایی دانشگاهها بودجه پیشنهادی به روال سابق تهیه و به سازمان برنامه و بودجه ارائه می‌شد، با این تفاوت که بودجه مصوب دانشگاهها نیز در قالب فرمهای موافقتنامه تهیه و تنظیم و پس از تأیید و تصویب سازمان برنامه و بودجه، برای اجرا ابلاغ می‌شد. در این سالها سازمان برنامه و بودجه از اختیارات و قدرت بیشتری برای تغییر و تعدیل ارقام پیشنهادی دانشگاهها برخوردار بود، به نحوی که موافقتنامه بودجه که به تفصیل و به ریز مواد هزینه در قالب برنامه و فصول تهیه می‌شد، به تصویب رئیس سازمان برنامه و بودجه و رئیس دانشگاه می‌رسید، در حالی که در سالهای قبل اختیار تصویب بودجه تفصیلی با هیئت امنای دانشگاه بود.

با گسترش کمی آموزش عالی همراه با هدف ارتقای کیفی آموزش، بر تعداد دانشگاههای کشور افزوده شد و این امر به اندیشه احیا و شکل‌گیری مجدد هیئت امنای دانشگاهها جان تازه‌ای بخشید. قانون تشکیل هیئت امنای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، طی جلسات ۱۸۱ و ۱۸۳ مورخ ۶۷/۱۲/۹ و ۶۷/۱۲/۲۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید، ولی تا پایان سال ۱۳۶۹ به موجب ماده ۱۱ آن کماکان هیئت سه نفری جانشین هیئتهای امنا به فعالیت خود ادامه داد(همان).

شایان ذکر است که پس از اجرای قانون هیئت امنا از سال ۱۳۷۰ به بعد، هر چند دانشگاهها ظاهراً در تصمیم‌گیری‌ها استقلال یافتند، اما عملاً اختیارات آنها در خط مشی‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در موارد گوناگون از جمله بودجه بسیار

تأثیر اصلاح طبقه بندی اقلام بودجه کشور بر بودجه بندی ۱۷

محدود و کنترل و نظارت سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور بر بودجه دانشگاهها همچنان قوی است.

بودجه‌بندی فعلی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

فرایند فعلی بودجه‌بندی در دانشگاههای وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری شامل مراحل زیر است:

مرحله تهیه، تنظیم و پیشنهاد بودجه

در این مرحله، بخشنامه بودجه برای اطلاع و اقدام با امضای معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به کلیه دانشگاهها ارسال می‌شود. در این بخشنامه چارچوبهای قانونی و مقررات و ضوابط مصوب ذکر می‌شود و تمام دستگاهها حین تهیه بودجه پیشنهادی ملزم به رعایت آن هستند.

تنظیم بودجه پیشنهادی توسط دانشگاهها برای دانشکده‌ها به طور کلی براساس دستورالعمل دفتر بودجه و تشکیلات دانشگاهها مطابق بخشنامه دریافتی از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور صورت می‌گیرد، ولی هر دانشگاه بسته به بعد فعالیت و ساختار تشکیلاتی [متمرکز بودن یا نبودن واحدهای مختلف] از این دستورالعمل برای تعیین اعتبارات مورد نیاز واحدها و دانشکده‌های مختلف به طور متفاوت استفاده می‌کند. بخشنامه بودجه ارسالی از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مشتمل بر فرمهایی است که این فرمها باید توسط دانشگاهها تکمیل و سپس به هیئت امنای مناطق ارسال شود. هیئت امنای بعد از بررسی فرمهای ارسالی و مطابقت آن با دستورالعمل‌های موجود، آن را تصویب می‌کند و سپس از طریق دانشگاه به دفتر علوم، تحقیقات و فناوری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ارسال می‌شود. در دفتر مذکور که وظیفه رسیدگی و بررسی

فرمهای ارسالی یک یا چند هیئت امنا را به عهده دارد، کار کارشناسی صورت می گیرد (دباغ، ۱۳۶۶).

مرحله تدوین لایحه بودجه توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور
کارشناسان دفتر علوم، تحقیقات و فناوری سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، فرمهای دریافتی را از نظر مطابقت با ضوابط بخشنامه و دستورالعملهایی که در اختیار آنها قرار دارد، مورد رسیدگی و بررسی قرار می دهند؛ بدین صورت که کارشناسان مربوط در جلساتی که با افراد مسئول بودجه دانشگاه دارند، فرمهای دریافتی را بررسی می کنند. در این مرحله کارشناسان بودجه دانشگاه از بودجه پیشنهادی دفاع می کنند و در نهایت، در مورد میزان رقم نهایی بودجه دانشگاه به توافق می رسند.

مرحله تصویب بودجه توسط مجلس شورای اسلامی
لایحه بودجه هر ساله توسط رئیس جمهور به مجلس شورای اسلامی تقدیم می شود. لایحه بودجه پیشنهادی در جلسات متعددی در مجلس رسیدگی می شود و پس از توافق به تصویب می رسد و سپس برای تأیید شورای نگهبان، به آن شورا ارسال می شود. با تأیید شورای نگهبان و اعلام آن از طرف ریاست مجلس به ریاست جمهوری، بودجه مصوب هر یک از دستگاههای اجرایی از جمله دانشگاهها، توسط رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، به دستگاهها ابلاغ می شود. این قانون شامل درآمد و هزینه ها و به تفکیک بودجه های جاری و تملک دارایی های سرمایه ای است.

مرحله اجرا، نظارت و کنترل مالی بودجه

پس از ابلاغ اعتبار مصوب از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به دانشگاه، دفتر بودجه و تشکیلات دانشگاه براساس نیازهای اعلام شده و فعالیتهای هر یک از دانشکده‌ها، پژوهشکده‌ها و سایر واحدهای تابعه و با در نظر گرفتن عملکرد سال قبل دانشگاه، به توزیع اعتبار و تکمیل فرمهای بودجه تفصیلی اقدام می‌کند. فرمهای بودجه تفصیلی دانشگاهها از سال تصویب قانون هیئت امنای تاکنون همواره دستخوش تغییر و تحول شده است. این فرمها توسط دفتر برنامه، بودجه و تشکیلات وزارت علوم و با همکاری کارشناسان دانشگاهها و با هماهنگی دفتر علوم، تحقیقات و فناوری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه می‌شود و در اختیار دانشگاهها قرار می‌گیرد. شایان ذکر است که در زمان تکمیل فرمها علاوه بر رعایت قوانین و مقررات و ضوابط اجرایی قانون بودجه، سیاستهای کلی هیئت امنای دانشگاهها نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

فرمهای تکمیل شده توسط دفتر بودجه دانشگاهها، به منظور بررسی سیاستهای تعیین شده از سوی ستاد وزارت، به دفتر برنامه، بودجه و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ارسال می‌شود. پس از رسیدگی و بررسی فرمها توسط کارشناسان دفتر بودجه وزارت، فرمها با تأیید مدیرکل دفتر بودجه وزارت برای رئیس کمیسیون دائمی هیئت امنای هر دانشگاه ارسال و پس از تصویب رئیس کمیسیون دائمی، به دفتر مرکزی هیئتهای امنای و هیئت ممیزه مرکزی فرستاده می‌شود. دفتر هیئتهای امنای نیز پس از بررسی کلی، فرمهای بودجه تفصیلی را برای تأیید وزیر ارسال می‌کند. این فرمها پس از تأیید وزیر، با امضای وی برای اجرا به رؤسای دانشگاهها ابلاغ می‌شود.

بودجه تفصیلی مورد تأیید وزیر برای ذیحساب دانشگاه، ملاک عمل است و کلیه اعتبارات دانشگاهها باید در چارچوب آن و با رعایت مقررات و ضوابط مربوط هزینه شود. دفتر بودجه دانشگاه و معاونت مالی و اداری نیز بر نحوه اجرای بودجه نظارت دارند.

بودجه ریزی عملیاتی در دانشگاهها

بودجه دانشگاهها در سال ۱۳۸۵ همانند سایر دستگاههای اجرایی که از اعتبارات دولت برای انجام دادن فعالیتها و ارائه خدمات خود استفاده می کنند نیز بر اساس محاسبه قیمت تمام شده یا همان هزینه عملیاتی تعیین خواهد شد. محصول دانشگاه خدمات آموزشی و پژوهشی است که به مشتریان خود که دانشجویان، صنایع و سایر دستگاهها و سازمانهای دولتی و غیر دولتی هستند، ارائه می دهد. بنابراین، شناسایی اجزای هزینه برای ارائه خدمات یاد شده و هزینه یابی هر یک از آنها، اساس و پایه تعیین بودجه دانشگاهها در سال ۱۳۸۵ خواهد بود. هم اکنون محور بحث برای تعیین سقف اعتبارات دانشگاهها تعیین هزینه سرانه دانشجو در گروهها و مقاطع مختلف تحصیلی است. با توجه به دیدگاهها و تخصص افراد مطلع در این زمینه، روشهای مختلفی برای محاسبه سرانه دانشجو مطالعه و بررسی شده است؛ بدیهی است آنچه بیشترین میزان اهمیت را در تعیین هزینه سرانه دانشجو و در نهایت، تعیین سقف اعتبارات دانشگاهها دارد، شناسایی تمام فعالیتها و هزینه های مرتبط و منظور کردن آنها در محاسبات است. هرچند که فعالیت اصلی دانشگاهها ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی است، اما باید در بررسی ها و محاسبات هزینه های زیر ساختی را برای آماده سازی فضاهای

آموزشی و پژوهشی اعم از ساختاری، تجهیزاتی و فیزیکی نیز مورد توجه قرار داد. بدیهی است مراکز هزینه از هر دانشگاه به دانشگاهی دیگر با توجه به عوامل زیادی مانند وسعت، قدمت، سطح علمی اعضای هیئت علمی و کادر آموزشی، مقاطع و گروهها و رشته های تحصیلی و . . . متفاوت خواهد بود.

برخی از معمولترین اجزای هزینه در ارتباط با دانشگاهها عبارت است از: هزینه سرانه آموزشی شامل حقوق و مزایای اعضای هیئت علمی و سایر کارکنان، هزینه نگهداری فضاهای آموزشی، کمک آموزشی، فضاهای باز و هزینه خرید کتب و نشریات، مجلات، نرم افزار و مواد و لوازم مصرفی و . . . هزینه پژوهشی شامل هزینه‌های برگزاری سمینارها و کنفرانسها، فرصتهای مطالعاتی و هزینه‌های اجرای پروژه‌های پژوهشی و . . .

هزینه فرهنگی، ورزشی و رفاهی شامل هزینه‌های نگهداشت فضاهای خوابگاهی، کمک هزینه رفاهی مانند تغذیه، ایاب و ذهاب، بهداشت، هزینه‌های فرهنگی و فوق برنامه مثل انجمنهای علمی، انجمنهای صنفی، اردوها و مسافرت‌های دانشجویی و سایر فعالیتهای فوق برنامه دانشجویان.

روش شناسی پژوهش

روش به کار رفته در این بررسی از نوع توصیفی و همبستگی دو متغیری است. ابزار جمع‌آوری داده‌های این تحقیق پرسشنامه و مصاحبه است. به این ترتیب که برای به دست آوردن دیدگاههای پاسخگویان از «مقیاس افتراق معنایی» شامل پنج گزینه (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) در قالب یک پرسشنامه مقایسه‌ای استفاده شده است. سؤلهای پرسشنامه با توجه به اهداف و ویژگی‌های

اصلاح طبقه‌بندی اقلام بودجه کشور و براساس سؤالهای تحقیق و با نظرخواهی از تعدادی از متخصصان بودجه دانشگاهها تنظیم شده است.

جامعه آماری این تحقیق کارشناسان بودجه جاری حوزه ستادی و دانشگاههای وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری هستند که دیدگاههای آنها از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است. برای دستیابی به پاسخ سؤالهای تحقیق از طریق جمع‌آوری دیدگاهها و نگرشهای کارشناسان بودجه سعی شده است پرسشنامه تهیه شده بین کارشناسانی توزیع شود که در زمینه بودجه‌نویسی دانشگاهها، قبل و بعد از انجام یافتن اصلاح طبقه‌بندی اقلام بودجه دارای تجربه کافی و از توانایی مقایسه نظام بودجه‌ریزی در هر دو وضعیت برخوردار باشند. همچنین، سعی شده است انتخاب افراد از دانشگاههای تهران و مناطق مختلف کشور به گونه ای باشد که نتایج به دست آمده قابلیت تعمیم به کلیه دانشگاههای وابسته به وزارت علوم را دارا باشد.

حجم نمونه آماری مورد نیاز با استفاده از رابطه زیر تعیین شده است: (مدنی، ۱۳۷۱):

$$n = \frac{NZ_{\alpha/2}^2 P(1-P)}{N\varepsilon^2 + Z_{\alpha/2}^2 P(1-P)} \quad (1)$$

مقدار متغیر نرمال استاندارد Z = حجم نمونه n = حجم جامعه آماری N

$\alpha = 1 - 0.95$ (ضریب اطمینان) ε = حداکثر خطای مجاز

که $P(1-P)$ واریانس صفت کیفی مورد بررسی است و به علت نامعلوم بودن ماکزیمم تعداد آن $0.25 = 0.5 \times 0.5$ در نظر گرفته شده است. بنابراین، نمونه مورد نیاز برابر خواهد بود با:

$$\frac{57 \times (1.96)^2 \times 0.25}{57 \times 0.01 + (1.96)^2 \times 0.25} = 36 = n \quad (2)$$

با توجه به امکانات موجود و به منظور جمع‌آوری نظرهای تعداد بیشتری از افراد جامعه آماری، ۴۵ پرسشنامه توزیع شد که ۳۷ پاسخ دریافت و تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس تعداد ۳۷ پرسشنامه انجام شد.

پرسشنامه مرکب از ۲۴ سؤال یا گویه است که این سؤالات پس از مطالعه در باره فرایند، نحوه و فرمهای بودجه‌بندی دانشگاهها و همچنین، با نظر تعدادی از کارشناسان و متخصصان بودجه و استادان دانشگاهها تنظیم شده است. برای سنجش تأثیر اصلاح طبقه‌بندی اقلام بودجه کشور بر روشهای نظارتی بودجه دانشگاهها از گویه‌های ۷ تا ۱۶ استفاده شده است. روش شفاف‌سازی درآمدها و هزینه‌ها توسط گویه‌های ۱۷ و ۱۸ مورد بررسی قرار گرفته است. برای سنجش روش برآورد درآمدها و هزینه‌های دانشگاهها از گویه‌های ۱۹ تا ۲۳ استفاده شده است. نظر پاسخگویان در باره امکان تهیه بودجه دانشگاهها به روش بودجه عملیاتی از طریق گویه ۱۹ مورد سؤال قرار گرفته است. گفتنی است از گویه‌های ۱ تا ۶ در باره سنجش تأثیر این اصلاح بر ساختار بودجه‌بندی دانشگاهها استفاده شد که به دلیل بی تأثیر بودن اصلاح مزبور بر ساختار بودجه‌بندی دانشگاهها این بخش از متن مقاله حذف شد.

مقیاس افتراق معنایی

افتراق معنایی روش کمی برای اندازه گیری معنای مفاهیم نزد افراد است و عکس العمل افراد را در برابر یک مفهوم یا شیء توصیف می کند. در این مقیاس از پاسخ دهنده خواسته می شود تا مفهومی را روی یک مقیاس دو قطبی علامتگذاری کند. در دو قطب مقیاس، دو صفت متضاد هم قرار دارند. نکته قابل ذکر اینکه تفسیر نتایج به دست آمده از این مقیاس به آسانی صورت نمی گیرد و این خطر وجود دارد که درک افراد از معانی و مفاهیم، متفاوت از یکدیگر باشد (سرمد و دیگران، ۱۳۷۹).

در این پژوهش برای پاسخگویی به سؤالات از طیف لیکرت استفاده شده و برای پنج گزینه «خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد» به ترتیب ارزش عددی ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ در نظر گرفته شده است. برای تعیین پایایی یا اعتبار پرسشنامه مورد استفاده از روش «بازآزمایی» استفاده شد، بدین ترتیب که برای بار دوم به ۸ نفر از پاسخگویان مراجعه و از آنان درخواست شد تا مجدداً پرسشنامه را تکمیل کنند. با مقایسه پاسخها در دو مرحله برای ۸ نفر و محاسبه همبستگی اسپیرمن ($r_s = 0/91$)، اعتبار پرسشنامه تأیید شد. برای روایی سؤالات پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد که با استفاده از نرم افزار SPSS مقدار آن برابر $\alpha = 0/89$ از مجموع پرسشنامه ها به دست آمد که حاکی از روایی پرسشنامه است.

به علت کیفی بودن پاسخهای دریافتی از طریق پرسشنامه که در سطح مقیاس ترتیبی هستند، از روشهای ناپارامتری شامل آزمون مک نمار و من ویتنی برای ارزیابی سؤالات تحقیق استفاده شده است. آزمون مک نمار برای معنی دار بودن

تغییرات به ویژه برای طرحهای «قبل از» و «بعد از» به کار می‌رود که در آنها یافته‌ها در سطح مقیاس ترتیبی یا اسمی باشند و هر آزمودنی به عنوان گواه خود مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش مجموعه پاسخهای اولیه و ثانویه در یک جدول مانند شکل ۱ وارد می‌شود و برای مشخص کردن تغییرات مورد استفاده قرار می‌گیرد.

	بعد از		
		+	-
قبل از			
	+	A	B
	-	C	D

شکل ۱- ماتریس نمونه مجموعه پاسخها

آزمودنی‌هایی که تغییر را نشان می‌دهند، در خانه‌های A و D جدول قرار می‌گیرند. اگر فردی از - به + تغییر پیدا کند، در خانه A و اگر از + به - تغییر کرده باشد، در خانه D قرار می‌گیرد و اگر تغییری مشاهده نشود، در خانه B یا در خانه C واقع می‌شود.

از آنجا که A+D نشان دهنده مجموع افرادی است که تغییر در آنها مشاهده شده است، انتظار این است که $\frac{1}{2}(A+D)$ از آنها در یک جهت و $\frac{1}{2}(A+D)$ از

آنها در جهت دیگر تغییر کنند. آماره این آزمون براساس توزیع χ^2 پس از خلاصه کردن به صورت زیر است:

$$\chi^2 = \frac{(A - D)^2}{A + D} \quad (۳)$$

چنانچه برای پیوستگی تصحیحی انجام پذیرد، این فرمول به صورت رابطه (۴) در می آید:

$$\chi^2 = \frac{(|A - D| - 1)^2}{A + D} \quad (۴)$$

که دارای توزیع χ^2 با یک درجه آزادی است.

اگر مقادیر مشاهده شده χ^2 برابر یا بزرگتر از مقادیر بحرانی جدول توزیع χ^2 باشند، نتیجه گرفته می شود که تغییر معنی داری در پاسخها از وضعیت قبل تا وضعیت بعد ایجاد شده است و بدین ترتیب، یک فرضیه به نفع فرضیه دیگر رد می شود.

آزمون من ویتنی مقایسه توزیع دو جامعه را عملی می سازد؛ به عبارت دیگر، آزمون من ویتنی برای مقایسه پارامترهای دو جامعه یا توزیع دو جامعه وقتی که مقیاس اندازه گیری حداقل در سطح مقیاس ترتیبی باشد، به کار می رود. آماره این آزمون به صورت زیر است (کریمی، ۱۳۷۲):

$$U_1 = n_1 n_2 \frac{n_1(n_1 + 1)}{2} - R_1 \quad (۵)$$

$$U_2 = n_1 n_2 + \frac{n_2(n_2 + 1)}{2} - R_2 \quad (۶)$$

در این فرمولها n_1 و n_2 تعداد گروههای هر جامعه و R_1 و R_2 حجم رتبه های هر ستون است. ابتدا نتایج اندازه متغیرهای دو جامعه در جدول قرار داده و از کوچک به بزرگ رتبه بندی می شود. سپس رتبه های هر ستون جداگانه

جمع می‌شود و با R_1 و R_2 نشان داده در فرمول بالا قرار می‌گیرد. مقدار U کوچک‌تر ملاک قضاوت خواهد بود که با مشخصات مربوط با مراجعه به جدول مقادیر بحرانی جدول من ویتنی نسبت به رد یا قبول فرضیه تصمیم‌گیری می‌شود. فرضیه‌ها به صورت زیر مطرح می‌شوند:

توزیع یا پارامترهای هر دو جامعه تفاوت معنی دار ندارند : H_0

توزیع یا پارامترهای هر دو جامعه تفاوت معنی دار دارند : H_1

تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات

سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه:

«آیا اصلاح طبقه‌بندی اقلام بودجه کشور بر نحوه بودجه بندی دانشگاههای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مؤثر بوده است؟» برای بررسی تأثیر اصلاح طبقه‌بندی اقلام بودجه کشور بر نحوه بودجه‌بندی دانشگاهها، به صورت ۳ سؤال فرعی مطرح می‌شود و در مورد هر کدام تجزیه و تحلیل اطلاعات صورت می‌گیرد.

سؤال ۱- آیا اصلاح طبقه‌بندی اقلام بودجه کشور بر روشهای نظارتی بودجه دانشگاهها مؤثر است؛ به عبارتی، آیا ویژگی‌های روش نظارت بودجه دانشگاهها (شفافیت، صحت، دقت، سرعت و ...) در وضعیت قبل از اصلاح و بعد از اصلاح تغییر کرده است؟

الف - شفافیت روش نظارت

بعد از اصلاح	جمع	
	زیاد	کم
قبل از اصلاح		
کم	۱۰	۹
زیاد	۶	۵
جمع	۱۶	۱۴

شکل ۲- ماتریس مجموعه پاسخها

ب - صحت روش نظارت

بعد از اصلاح	جمع	
	زیاد	کم
قبل از اصلاح		
کم	۷	۹
زیاد	۵	۶
جمع	۱۲	۱۵

شکل ۳- ماتریس مجموعه پاسخها

$$\chi^2 = \frac{[(7-6)-1]^2}{7+6} = 0$$

$$\chi^2_{0.951} = 3.84$$

$$\chi^2 = \frac{[(10-5)-1]^2}{10+5} = \frac{16}{15} = 1.06$$

الف. نتیجه آزمون پاسخهای دریافتی نشان می‌دهد که اصلاح طبقه بندی اقلام بودجه کشور تأثیر چشمگیری بر شفافیت روش نظارت نداشته است. براساس اظهارات پاسخگویان ۲۷ درصد معتقدند که این اصلاح، شفافیت روش نظارت را بهبود بخشیده است، ۱۳/۵ درصد آنان اظهار داشته‌اند که در نتیجه اصلاح، شفافیت کمتر شده است و بقیه نیز این تغییر را بی‌اثر دانسته‌اند.

ب. در اثر اصلاح طبقه بندی اقلام بودجه، صحت روش نظارت نیز تغییر نکرده است. ۱۹ درصد پاسخگویان صحت روش نظارت را بعد از اصلاح بهتر از قبل ذکر کرده‌اند و ۱۶ درصد آن را در وضع بدتر می‌دانند. بقیه نیز آن را بی‌اثر بیان کرده‌اند.

ج - دقت روش نظارت

بعد از اصلاح	زیاد	کم	جمع
قبل از اصلاح			
کم	۹	۱۱	۲۰
زیاد	۳	۴	۷
جمع	۱۲	۱۵	۲۷

شکل ۴- ماتریس مجموعه پاسخها

د- سرعت روش نظارت

بعد از اصلاح	زیاد	کم	جمع
قبل از اصلاح			
کم	۸	۷	۱۵
زیاد	۵	۹	۱۴
جمع	۱۳	۱۶	۲۹

شکل ۵- ماتریس مجموعه پاسخها

$$\chi^2 = \frac{[(8-9)-1]^2}{8+9} = \frac{0}{17} = 0$$

$$\chi^2 = \frac{[(9-4)-1]^2}{9+4} = \frac{16}{13} = 1.23$$

ج. نتیجه آزمون عدم تأثیر اصلاح را روی دقت روش نظارت نشان می‌دهد. براساس اظهارات پاسخگویان ۲۴ درصد معتقدند که این اصلاح، دقت روش نظارت را بهبود بخشیده است. ۱۱ درصد آن را بدتر از قبل ذکر کرده و بقیه نیز تغییر چندانی را در آن بیان نکرده‌اند.

د. بنابر اظهار پاسخگویان این اصلاح تأثیری در بهبود سرعت روش نظارت نداشته است. ۲۱/۶ درصد آنان اصلاح را باعث سرعت بیشتر روش نظارت ذکر کرده‌اند، ۲۴ درصد آن را از وضعیت قبل از اصلاح کمتر بیان داشته‌اند. بقیه نیز آن را بی‌اثر دانسته‌اند.

هـ- قابلیت تعیین انحراف از پیش‌بینی روش نظارت
 ر - قابلیت تعیین مزیتها و تهدیدها در روش نظارت

بعد از اصلاح	روش نظارت		جمع
	زیاد	کم	
قبل از اصلاح			
کم	۸	۷	۱۵
زیاد	۵	۹	۱۴
جمع	۱۳	۱۶	۲۹

شکل ۷- ماتریس مجموعه پاسخها

بعد از اصلاح	نظارت		جمع
	زیاد	کم	
قبل از اصلاح			
کم	۸	۱۳	۲۱
زیاد	۶	۴	۱۰
جمع	۱۴	۱۷	۳۱

شکل ۶- ماتریس مجموعه پاسخها

$$\chi^2 = \frac{[(12-4)-1]^2}{12+4} = \frac{49}{16} = 3.06$$

$$\chi^2 = \frac{[(8-4)-1]^2}{8+4} = \frac{9}{12} = 0.75$$

هـ. نتیجه آزمون، اصلاح طبقه بندی ارقام بودجه را در قابلیت تعیین انحراف از پیش‌بینی بی‌اثر نشان می‌دهد، به طوری که فقط ۲۱/۶ درصد پاسخگویان این قابلیت را در نتیجه اصلاح طبقه‌بندی ارقام بودجه بیشتر دانسته و ۱۱ درصد نیز آن را کمتر از گذشته بیان کرده‌اند.

ز- میزان تأثیر اطلاعات از فرمهای بودجه دانشگاهها بر توزیع منابع مالی در داخل دانشگاهها

ک - میزان اطلاعاتی که فرمهای بودجه دانشگاهها برای برنامه‌ریزی بلند مدت در اختیار تصمیم‌گیران قرار می‌دهد

بعد از اصلاح	جمع		قبل از اصلاح
	کم	زیاد	
کم	۹	۱۱	کم
زیاد	۴	۵	زیاد
جمع	۱۳	۱۶	جمع

شکل ۹- ماتریس مجموعه پاسخها

$$\chi^2 = \frac{[(11-4)-1]^2}{11+4} = \frac{36}{15} = 2.4$$

ک. در نتیجه آزمون به نظر می‌رسد که اصلاح طبقه‌بندی ارقام بودجه، میزان اطلاعاتی را که برای برنامه‌ریزی بلند مدت در اختیار تصمیم‌گیران قرار می‌دهد، بیشتر نکرده است و

بعد از اصلاح	جمع		قبل از اصلاح
	کم	زیاد	
کم	۹	۱۱	کم
زیاد	۵	۵	زیاد
جمع	۱۴	۱۶	جمع

شکل ۸- ماتریس مجموعه پاسخها

$$\chi^2 = \frac{[(11-5)-1]^2}{11+5} = \frac{25}{16} = 1.56$$

ز. ظاهراً اصلاح طبقه‌بندی ارقام بودجه در میزان تأثیر اطلاعات بر توزیع منابع مالی در داخل دانشگاهها نقش مؤثری نداشته باشد. ۳۰ درصد پاسخگویان این تأثیر را

مثبت ارزیابی و ۱۳/۵ درصد تأثیر آن را منفی ذکر کرده اند و بقیه نیز آن را بی اثر بیان داشته اند. ۳۰ درصد پاسخگویان این اطلاعات را بیشتر از وضعیت قبل از اصلاح ذکر کرده و ۱۱ درصد آن را کمتر بیان داشته اند.

میزان تأثیر اطلاعات به دست آمده از فرمهای بودجه دانشگاهها در تخصیص بهینه منابع مالی متمرکز در وزارتخانه از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی ل. میزان تأثیر اطلاعات به دست آمده از فرمهای بودجه دانشگاهها بر تعیین میزان واقعی اعتبارات

بعد از اصلاح	جمع		قبل از اصلاح
	زیاد	کم	
کم	۸	۱۳	۲۱
زیاد	۵	۳	۸
جمع	۱۳	۱۶	۲۹

شکل ۱۱- ماتریس مجموعه پاسخها

$$\chi^2 = \frac{[(8-3)-1]^2}{8+3} = \frac{16}{11} = 1.45$$

ل. از نتیجه آزمون چنین بر می آید که اصلاح طبقه بندی اقلام بودجه تأثیر مثبتی بر تعیین میزان واقعی اعتبارات از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی نداشته است. اگرچه ۲۱/۶ درصد پاسخگویان بر این باورند که این تأثیر مثبت بوده است، ولی در حد قابل قبولی نیست.

بعد از اصلاح	جمع		قبل از اصلاح
	زیاد	کم	
کم	۷	۹	۱۶
زیاد	۷	۶	۱۳
جمع	۱۴	۱۵	۲۹

شکل ۱۰- ماتریس مجموعه پاسخها

$$\chi^2 = \frac{[(7-6)-1]^2}{7+6} = \frac{0}{13} = 0$$

گ. بر اساس اظهارات پاسخگویان اصلاح طبقه بندی اقلام بودجه تأثیر چشمگیری در تخصیص بهینه منابع مالی متمرکز در وزارتخانه از اطلاعات به دست آمده، نداشته است؛ به عبارت دیگر، وضع موجود با آنچه قبل از اصلاح جریان داشته، تفاوتی نکرده است و فقط ۱۹ درصد عقیده دارند که وضع از گذشته بهتر شده است.

آنچه از تحلیل سؤالهای مطرح شده در زمینه روش نظارت بر بودجه دانشگاهها حاصل می‌شود حاکی از آن است که اصلاح طبقه بندی اقلام بودجه کشور نتوانسته است در بهبود روشهای نظارتی تحولی ایجاد کند.

جدول ۱- مقدار عددی آماره آزمون

بعد از اصلاح		قبل از اصلاح		سؤال
۲۰	۳۵/۱	۴	۱۶/۲	شفافیت روش نظارت
۹	۲۱/۶	۳	۱۳/۵	صحت روش نظارت
۱۲/۵	۲۷/-	۲	۱۰/۸	دقت روش نظارت
۱۸/۵	۳۲/۴	۶	۱۸/۹	سرعت روش نظارت
۱۵/۵	۲۹/۷	۹	۲۱/۶	قابلیت تعیین انحراف از روش پیش‌بینی
۱۲/۵	۲۷/-	۱	۸/۱	قابلیت تعیین مزیتها و تهدیدها
۱۵/۵	۲۹/۷	۹	۲۱/۶	تأثیر اطلاعات بر توزیع بهینه منابع مالی در داخل دانشگاهها
۱۸/۵	۳۲/۴	۶	۱۸/۹	تأثیر اطلاعات برای برنامه‌ریزی بلند مدت تصمیم‌گیران
۱۵/۵	۲۹/۷	۱۱	۲۴/۳	تأثیر اطلاعات در تخصیص بهینه منابع مالی متمرکز در وزارتخانه
۱۵/۵	۲۹/۷	۶	۱۸/۹	تأثیر اطلاعات بر تعیین میزان واقعی اعتبارات از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

$$R_2 = 153$$

$$R_1 = 57$$

$$U_1 = 10 \times 10 + \frac{10 \times 11}{2} - R_1 = 98$$

$$P = 0.002$$

$$U_2 = 10 \times 10 + \frac{10 \times 11}{2} - R_2 = 2$$

اگر بخواهیم نظرهای پاسخگویان را نسبت به وضع قبل از اصلاح نظام و بعد از اصلاح نظام مقایسه کنیم، به طور کلی باید پاسخهای دریافتی را با آزمون من ویتنی مقایسه و سپس در باره فرضیات زیر تصمیم بگیریم:

- اصلاح طبقه بندی اقلام بودجه کشور بر روشهای نظارتی بودجه دانشگاهها

تأثیر نداشته است : H_0

- اصلاح طبقه بندی اقلام بودجه کشور بر روشهای نظارتی بودجه دانشگاهها

تأثیر مثبت داشته است : H_1

نتیجه آزمون نشان می دهد که نسبت پاسخهای موافق بعد از اصلاح بیشتر از نسبت پاسخهای موافق قبل از اصلاح بوده است، به طوری که برای همه ویژگی های یاد شده، درصد پاسخهای مثبت بعد از اصلاح بیشتر از قبل از اصلاح بیان شده است؛ به عبارتی، می توان تأثیر اصلاح طبقه بندی اقلام بودجه را بر بهبود روشهای نظارتی بودجه دانشگاهها تا حدودی مثبت دانست.

سؤال ۲- آیا اصلاح طبقه بندی اقلام بودجه کشور بر شفاف سازی درآمدها و هزینه های دانشگاهها مؤثر بوده است؟

الف . میزان تأثیر ساختار طبقه بندی بودجه مورد عمل دانشگاهها بر شفاف سازی درآمدهای دانشگاهها

ب . میزان تأثیر ساختار طبقه بندی بودجه مورد عمل دانشگاهها بر شفاف سازی هزینه های دانشگاهها

دانشگاهها			درآمدهای دانشگاهها				
بعد از اصلاح	کم	زیاد	جمع	بعد از اصلاح	کم	زیاد	جمع
قبل از اصلاح				قبل از اصلاح			
کم	۸	۱۰	۱۸	کم	۹	۱۳	۲۲
زیاد	۵	۵	۱۰	زیاد	۳	۲	۵
جمع	۱۳	۱۵	۲۸	جمع	۱۲	۱۵	۲۷

شکل ۱۳- ماتریس مجموعه پاسخها

$$\chi^2 = \frac{[(10-5)-1]^2}{10+5} = \frac{16}{15} = 1.06$$

شکل ۱۲- ماتریس مجموعه پاسخها

$$\chi^2 = \frac{[(13-3)-1]^2}{13+3} = \frac{81}{16} = 5.06$$

$$\chi^2_{0.95,1} = 3.84$$

الف. نتیجه آزمون گواه بر این است که ساختار بودجه‌بندی مورد عمل دانشگاهها بعد از اصلاح بر شفاف‌سازی درآمدهای دانشگاهها تأثیر مثبت داشته و آن را بیشتر تحقق بخشیده است، به طوری که ۳۵ درصد پاسخگویان این تغییر را نسبت به گذشته بهتر ارزیابی کرده‌اند.

ب. این اصلاح تأثیری بر شفاف‌سازی هزینه‌های دانشگاهها نداشته است. اگرچه ۲۷ درصد پاسخگویان این تغییر وضعیت را بعد از اصلاح پاسخگویان این تغییر کرده‌اند، ولی در مجموع نتیجه آزمون تفاوت معنی داری را در قبل از اصلاح و بعد از اصلاح نشان نمی‌دهد.

سؤال ۳- آیا اصلاح طبقه‌بندی اقلام بودجه کشور بر روشهای برآورد درآمدها و هزینه‌های دانشگاهها مؤثر بوده است؟

الف. میزان امکان پیش‌بینی کوتاه مدت و میان مدت درآمدها در این روش بودجه‌بندی

ب. میزان امکان پیش‌بینی کوتاه مدت و میان مدت هزینه‌ها در این روش بودجه‌بندی

بعد از اصلاح	جمع	
	کم	زیاد
قبل از اصلاح		
کم	۸	۹
زیاد	۳	۷
	۱۷	۱۰

بعد از اصلاح	جمع	
	کم	زیاد
قبل از اصلاح		
کم	۱۲	۱۲
زیاد	۳	۲
	۲۴	۵

جمع	۱۶	۱۱	۲۷	جمع	۱۴	۱۵	۲۹
شکل ۱۵- ماتریس مجموعه پاسخها				شکل ۱۴- ماتریس مجموعه پاسخها			
$\chi^2 = \frac{[(9-3)-1]^2}{9+3} = \frac{25}{12} = 2.08$				$\chi^2 = \frac{[(12-3)-1]^2}{12+3} = \frac{64}{15} = 4.26$			
				$\chi_{0.95,1}^2 = 3.84$			

الف. نتیجه آزمون نشان می‌دهد که اصلاح طبقه‌بندی اقلام بودجه امکان پیش‌بینی کوتاه مدت و میان مدت درآمدها را افزایش داده است، به طوری که ۳۲/۴ درصد پاسخگویان معتقدند که این امکان پس از اصلاح بیشتر شده است و فقط ۸/۱ درصد آنان این امکان را کمتر بیان کرده‌اند.

ب. امکان پیش‌بینی هزینه‌های دانشگاهها بعد از اصلاح تفاوت چشمگیری نسبت به قبل نداشته است. هرچند ۲۴/۳ درصد پاسخگویان این امکان را بهتر از قبل بیان کرده‌اند، ولی در مجموع این اصلاح در مورد پیش‌بینی هزینه‌ها موفقیتی نداشته است.

ج. میزان ارائه شاخصهایی برای تفکیک و برآورد هزینه‌ها در بخشهای مختلف دانشگاهها
 د. میزان امکان برآورد هزینه براساس اهداف کمی و فیزیکی فعالیتها

بعد از اصلاح	زیاد	کم	جمع	بعد از اصلاح	زیاد	کم	جمع
قبل از اصلاح				قبل از اصلاح			
کم	۹	۱۱	۲۰	کم	۱۳	۸	۲۱
زیاد	۳	۳	۶	زیاد	۴	۳	۷
جمع	۱۲	۱۴	۲۶	جمع	۱۷	۱۱	۲۸
شکل ۱۷- ماتریس مجموعه پاسخها				شکل ۱۶- ماتریس مجموعه پاسخها			

$$\chi^2 = \frac{[(9-3)-1]^2}{9+3} = \frac{25}{12} = 2.08$$

$$\chi^2 = \frac{[(13-3)-1]^2}{13+3} = \frac{81}{16} = 5.06$$

$$\chi^2_{0.95,1} = 3.84$$

ج. نتیجه آزمون بیانگر آن است که اصلاح طبقه‌بندی ارقام بودجه، در ارائه شاخصهایی برای تفکیک و برآورد هزینه‌ها به خوبی عمل کرده است، به طوری که ۳۵ درصد پاسخگویان این تغییر وضعیت را بیشتر از گذشته ارزیابی کرده‌اند. بیان داشته‌اند.

د. از نتیجه آزمون چنین نتیجه می‌گیریم که اصلاح طبقه‌بندی ارقام بودجه امکان برآورد هزینه‌ها را براساس اهداف فعالیتها، بهتر نکرده است، اگرچه ۲۴/۳ درصد پاسخگویان این امکان را بهتر از گذشته بیان داشته‌اند.

ه. میزان امکان برآورد هزینه‌ها به تفکیک

هزینه‌های آموزشی و پژوهشی

و. امکان تهیه بودجه عملیاتی دانشگاهها

جمع	بعد از اصلاح		
	زیاد	کم	
قبل از اصلاح			
کم	۹	۱۱	۲۰
زیاد	۳	۴	۷
جمع	۱۲	۱۵	۲۷

شکل ۱۹- ماتریس مجموعه پاسخها

جمع	بعد از اصلاح		
	زیاد	کم	
قبل از اصلاح			
کم	۱۰	۷	۱۷
زیاد	۷	۶	۱۳
جمع	۱۷	۱۳	۳۰

شکل ۱۸- ماتریس مجموعه پاسخها

$$\chi^2 = \frac{[(9-4)-1]^2}{9+4} = \frac{16}{13} = 1.23$$

$$\chi^2 = \frac{[(10-6)-1]^2}{10+6} = \frac{9}{16} = 0.56$$

هـ در واقع، اصلاح طبقه‌بندی ارقام بودجه امکان برآورد هزینه‌ها را به تفکیک هزینه‌های آموزشی و پژوهشی نسبت به و همچنین، اصلاح طبقه‌بندی ارقام بودجه امکان تهیه بودجه عملیاتی دانشگاهها را بهبود بخشیده است و این توان نسبت به گذشته تغییر چندانی

قبل افزایش نداده است. هرچند ۲۷ درصد نداشته است، اگرچه ۲۴/۳ درصد پاسخگویان این پاسخگویان این امکان را بهتر از قبل امکان را بهتر از گذشته ذکر کرده‌اند. توصیف کرده‌اند، ولی ۱۶/۲ درصد آن را کمتر از گذشته می‌دانند.

- برای آزمون سؤال ۳ مجموع سؤالات براساس پاسخهای موافق در دو وضعیت قبل و بعد از اصلاح طبقه بندی ارقام بودجه ارزیابی می‌شود:
- اصلاح طبقه بندی ارقام بودجه کشور بر روشهای برآورد درآمدها و هزینه‌های دانشگاهها تأثیر نداشته است : H_0
 - اصلاح طبقه بندی ارقام بودجه کشور بر روشهای برآورد درآمدها و هزینه‌های دانشگاهها مؤثر بوده‌است : H_1

جدول ۲- مقدار عددی آماره آزمون

سؤال	قبل از اصلاح	بعد از اصلاح
میزان امکان پیش‌بینی کوتاه مدت و میان مدت درآمدهای دانشگاهها	۵/۴	۱۸/۹
میزان امکان پیش‌بینی کوتاه مدت و میان مدت هزینه‌های دانشگاهها	۲۱/۶	۳۷/۸
میزان ارائه شاخصهایی برای تفکیک و برآورد هزینه‌ها در بخشهای مختلف	۱۸/۹	۳۲/۴
میزان امکان برآورد هزینه‌ها براساس اهداف کمی و فیزیکی فعالیتها	۱۰/۸	۲۱/۶
میزان امکان برآورد هزینه‌ها به تفکیک هزینه‌های آموزشی و پژوهشی	۲۹/۷	۴۳/۲
امکان تهیه بودجه عملیاتی دانشگاهها	۱۰/۸	۲۷

$$R_2 = 52 \quad R_1 = 26$$

$$U_1 = 6 \times 6 + \frac{6 \times 7}{2} - 26 = 31$$

$$U_2 = 6 \times 6 + \frac{6 \times 7}{2} - 52 = 5 \quad P = 0.032$$

مقایسه پاسخهای موافق در وضعیت قبل از اصلاح و بعد از اصلاح حاکی از آن است که اصلاح طبقه بندی اقلام بودجه کشور روی روشهای برآورد درآمدها و هزینه‌های دانشگاهها نقش مؤثر و مثبتی داشته است، به طوری که در همه زمینه‌ها پاسخگویان بعد از اصلاح پاسخهای موافق بیشتری را ارائه داده‌اند.

جدول ۳- مقدار عددی آماره آزمون

بعد از اصلاح		قبل از اصلاح		سؤال
۴	۲۹/۵	۳	۱۷/۳	آیا اصلاح طبقه بندی اقلام بودجه کشور بر روشهای نظارتی بودجه دانشگاهها مؤثر است؟
۸	۳۳/۸	۱/۵	۱۶/۲	آیا اصلاح طبقه بندی اقلام بودجه بر شفاف‌سازی درآمدها و هزینه‌های دانشگاهها مؤثر است؟
۵/۵	۳۰/۲	۱/۵	۱۶/۲	آیا اصلاح طبقه بندی اقلام بودجه بر روشهای برآورد درآمدها و هزینه‌های دانشگاهها مؤثر است؟

$$R_2 = 24.5 \quad R_1 = 11.5$$

$$U_1 = 4 \times 4 + \frac{4 \times 5}{2} \quad 11.5 = 14.5$$

$$U_2 = 4 \times 4 + \frac{4 \times 5}{2} \quad 24.5 = 1.5 \quad P = 0.032$$

حال سه سؤال مطرح شده در موضوع اصلی تحقیق بررسی و نسبت به چگونگی تأثیر اصلاح طبقه‌بندی اقلام بودجه بر نحوه بودجه‌بندی دانشگاههای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قضاوت می‌شود:

• اصلاح طبقه‌بندی اقلام بودجه کشور بر نحوه بودجه‌ریزی دانشگاهها تأثیری نداشته است : H_0

• اصلاح طبقه‌بندی اقلام بودجه کشور بر نحوه بودجه‌ریزی دانشگاهها تأثیر مثبت داشته است : H_1

نتیجه آزمون نشان می‌دهد که به طور کلی اصلاح طبقه‌بندی اقلام بودجه کشور بر نحوه بودجه‌بندی دانشگاهها تأثیر مثبت داشته است. همان گونه که از نسبت پاسخهای موافق در مورد سؤالات فرعی مشاهده می‌شود، در همه موارد درصد پاسخهای موافق بعد از اصلاح بیشتر از قبل از اصلاح بوده است. این تغییر در مورد بهبود روشهای نظارتی بر بودجه دانشگاهها و شفاف‌سازی درآمد و هزینه و روشهای برآورد درآمد و هزینه دانشگاهها اثر گذار بوده است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به سؤالات مطرح شده در باره اثرهای اصلاح طبقه‌بندی اقلام بودجه کشور بر بودجه‌بندی دانشگاهها بوده است. با توجه به آزمونهای انجام شده در این پژوهش، نتایج زیر حاصل شد:

به طور کلی، در پاسخ به این سؤال که آیا اصلاح طبقه‌بندی اقلام بودجه کشور بر روشهای نظارتی بودجه دانشگاهها تأثیر داشته است، می‌توان گفت که وضعیت

روشهای نظارت پس از اصلاح رو به بهبود نهاده است، به طوری که از مقایسه پاسخهای دریافتی با آزمونهای انجام شده به راحتی می‌توان این نتیجه را گرفت. در مورد سؤال دوم مبنی بر اینکه آیا اصلاح طبقه‌بندی اقلام بودجه کشور بر شفاف‌سازی درآمدها و هزینه‌های دانشگاهها مؤثر بوده است، نتیجه‌ای که گرفته شد این است که اصلاح مزبور، بر شفاف‌سازی درآمدها تأثیر مثبت داشته است، اما بر شفاف‌سازی هزینه‌ها تأثیر زیادی نداشته است.

در پاسخ به سؤال سوم نیز که اثرهای اصلاح طبقه‌بندی اقلام بودجه کشور بر روشهای برآورد درآمدها و هزینه‌هاست، این نتیجه گرفته شد که اصلاح مورد نظر، امکان پیش‌بینی کوتاه مدت و میان مدت درآمدها را افزایش داده است، لیکن امکان پیش‌بینی هزینه‌ها را چندان بهبود نبخشیده است. در کل، می‌توان گفت که اصلاح طبقه‌بندی اقلام بودجه کشور بر بودجه‌بندی دانشگاهها مثبت ارزیابی می‌شود، گرچه در برخی از موارد اثرها چشمگیر نبوده است.

منابع

الف. فارسی

۱. خلعتبری، فیروزه (۱۳۸۰)؛ «بررسی کلی ساختار بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور»؛ فصلنامه مجلس و پژوهش، سال هشتم، شماره ۳۱، پاییز، ص. ۱۵۲.
۲. دباغ، رحیم (۱۳۷۶)؛ فرایند بودجه‌بندی دانشگاهها از مرحله پیشنهاد تا هزینه نمودن؛ مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مرداد.

۳. رنانی، محسن (۱۳۸۰)؛ «نظام بودجه ریزی و اصلاحات»؛ فصلنامه مجلس و پژوهش، سال هشتم، شماره ۳۱، پاییز، صص. ۶۰-۵.
۴. سرمد، زهره، عباس بازرگان و الهه حجازی (۱۳۷۹)؛ روشهای تحقیق در علوم رفتاری؛ چاپ چهارم، انتشارات آگاه.
۵. سیگل، سیدنی (۱۳۷۲)؛ آمارهای ناپارامتریک؛ ترجمه دکتر یوسف کریمی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۶. شریعت، بهاءالدین (۱۳۷۷)؛ «تحلیلی بر عملکرد هیات امنای در نظام آموزش عالی»؛ فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، پاییز و زمستان، صص. ۶۲-۵۲.
۷. صراف، فریدون (۱۳۵۳)؛ بودجه نویسی دولتی و نظام بودجه ای ایران؛ انتشارات مدرسه عالی بازرگانی.
۸. قدیری اصل، باقر (۱۳۸۰)؛ «تحول بودجه و بودجه نویسی در جهان و ایران»؛ فصلنامه مجلس و پژوهش، سال هشتم، شماره ۳۱، پاییز.
۹. کردبچه، محمد (۱۳۸۰)؛ مقایسه نظام آمارهای مالی دولت و نظام حسابهای ملی؛ مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، اردیبهشت.
۱۰. گل محمدی، معصومه (۱۳۸۹)؛ بررسی سیستم بودجه بندی دانشگاه تربیت مدرس و ارائه الگوی مناسب؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
۱۱. محب علی، داوود (۱۳۷۹)؛ «آیا بودجه عامل ضروری است؟»؛ پیام مدیریت موفق، شماره ۶۰.

۱۰۴ ===== فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۳۵ و ۳۶، ۱۳۸۴

۱۲. مدنی، علی (۱۳۷۱)؛ استنتاج آماری؛ جلد اول، چاپ اول، انتشارات نشر دانشگاهی.

ب. لاتین

۱. Government Finance Statistics Manual ۲۰۰۱ (GFSM, ۲۰۰۱); International Monetary Fund. Available at: <http://www.imf.org/external/pubs/ft/gfs/manual/>.
۲. Funding Higher Education in England. Available at: <http://www.hefce.ac.uk/pubs/hefce/۲۰۰۰/>.

تأثیر اصلاح طبقه بندی اقلام بودجه کشور بر بودجه بندی ۱۰۵